

آینده ادبیات تطبیقی در ایران

همواره در نوشته‌ها و صحبت‌های خود به نکته‌ای اساسی اشاره کرده‌ام و آن نقش تعاملی ادبیات تطبیقی است. ادبیات تطبیقی به دنبال یافتن ارتباطات فرهنگی بین ملل با محوریت ادبیات است. قبلاً هم گفته‌ام و باز تکرار می‌کنم که ادبیات تطبیقی برای وصل کردن آمده است. ادبیات تطبیقی مانند پلی است که جزایر پراکنده علوم انسانی را به هم متصل می‌کند. مصالح این پل از جنس ادب است و چه مصالحی مناسب‌تر و محکم‌تر از ادبیات که با جان و روح انسان‌ها سروکار دارد. پل‌های فلزی و بتونی در اثر عوامل طبیعی یا به قوه مخرب سلاح‌های جنگی ویران می‌شوند ولی پلی که با عواطف پاک و عشق و محبت ساخته شده باشد جان‌های شایسته را به هم پیوند می‌دهد و انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند. ادبیات همواره چنین نقشی در جهان انسانی داشته و همواره همدلی از هم‌زبانی در تحبیب قلوب مؤثرتر بوده است. بدین قرار، باید مواظب بود که واژه «تطبیقی» ما را از هدف ادبیات تطبیقی دور نسازد و باعث سردرگمی ما نشود. سخن اصلی ادبیات تطبیقی این است که اقوام در شرایط زمانی و مکانی متفاوت مشترکاتی دارند. هر گفت‌وگویی آن‌گاه به نتیجه می‌رسد که طرفین روی اصولی مشترک به تفاهم برسند و دوستی و صلح برقرار شود. لذا تطبیق وسیله‌ای برای رسیدن به این وجوه مشترک است.

البته دانش ادبیات تطبیقی به خوبی از تفاوت‌های فرهنگی نیز آگاه است. وقوف بر این تفاوت‌ها به اندازه شناخت مشترکات مهم است. راه حل ادبیات تطبیقی در مواجهه با تفاوت‌ها چیست؟ پاسخ روشن است: هم‌اندیشی و تحمل و رواداری و احترام به دیگری. بدون تردید، این سخن تازه‌ای نیست ولی ادبیات تطبیقی آن را به‌مثابه دانشی جدید تئوریزه کرده تا بتوان، در فضای آکادمیایی به‌صورت روشمند، به مطالعه و بررسی آن پرداخت. ادبیات تطبیقی زمانی که وارد فضای آکادمیایی شد بین‌رشته‌ای هم شد. صاحب‌نظران این رشته به این نتیجه رسیدند که ادبیات با سایر رشته‌های علوم

انسانی و هنری حتی علوم تجربی ارتباط دارد. این ارتباط، به نوبه خود، برای ظهور رویکردهای نوین نقد ادبی از قبیل نقد روانکاوانه، نشانه‌شناختی، تاریخ‌گرا، اسطوره‌ای، پسااستعماری، فرهنگی، پدیدارشناختی، زیست‌محیطی و سیاسی راهگشا بوده است. علاوه بر این، نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی، از دهه نود قرن بیستم، ابعاد جدیدتری برای پژوهش در ادبیات تطبیقی گشود و نظریه‌های سنتی این رشته را به چالش کشاند. ورود عرصه علمی ترجمه‌پژوهی به ادبیات تطبیقی دیدگاه‌ها و روش‌های سنتی آن را تغییر داد و قلمرو پژوهش در ادبیات تطبیقی را وسعت بخشید. ترجمه عامل اصلی تعاملات فرهنگی در ادوار تاریخی جوامع انسانی بوده و در ساخت و ساز و غنی‌سازی فرهنگ‌ها و فراهم‌آوردن بستر یادگیری از غیر نقش بسیار مؤثری داشته است. امروز جایگاه ادبیات ترجمه‌شده را در هیچ نظام ادبی بومی نمی‌توان نادیده گرفت.

خوشبختانه رشته ادبیات تطبیقی هیچ‌گاه از بازتابندگی و انتقاد و اصلاح خود غافل نمانده است. ادبیات تطبیقی جزمیت‌گرا نیست و همواره آماده پذیرفتن نظریه‌های علمی جدید بوده است. البته این بدان معنی نیست که ادبیات تطبیقی پیوسته در مسیر درست حرکت کرده است. ادبیات تطبیقی هم مانند هر رشته علمی دیگری با چالش‌ها و بحران‌هایی روبه‌رو بوده است. برخی از این بحران‌ها از نظریه‌هایی ناشی بوده که بر اساس خودشیفتگی‌های ملی شکل گرفتند ولی دیری نپاییده که متفکران بعدی خط بطلان بر آنها کشیدند. اما برخی بحران‌ها ریشه در ضعف علمی، بدفهمی و فقر روش‌شناسی این رشته داشته‌اند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان از این بحران متأخر گذر کرد. بدون شک، این راه حل از طریق راه‌اندازی رشته تخصصی ادبیات تطبیقی به حیث رشته‌ای آکادمیایی به دست می‌آید. چون بسیاری از این کجروی‌ها و کژتابی‌ها در ناآشنایی علمی و تصورات وهمی ریشه دارد. وقتی هر کس، به صرف تحصیل در رشته ادبیات خود را تطبیق‌گر قلمداد کند و تحصیلات دانشگاهی در رشته تخصصی ادبیات تطبیقی شرط ورود به آن نباشد، نتیجه روشن است. البته گنجاندن چند درس ادبیات تطبیقی، با هر عنوان و اسم، در رشته‌های ادبی پسندیده است و راه را برای آشنایی علاقه‌مندان به این رشته باز می‌کند ولی وافی به مقصود نیست و صرفاً با آن

متخصص ادبیات تطبیقی تربیت نمی‌شود. تازه همین امر پسندیده اگر با برنامه‌ریزی دقیق و طبق معیارهای علمی صورت نگیرد ضایعات جبران‌ناپذیری هم به‌بار می‌آورد. مقالات این شماره به دو گروه کلی در قلمرو ادبیات تطبیقی تقسیم شده‌اند. اولین گروه به مطالعات بین‌رشته‌ای و دومین گروه به مطالعات تأثیر و تأثر ادبی اختصاص یافته‌اند. در بخش بین‌رشته‌ای ایلمیرا دادور در مقاله «آبخوست قهوه‌خانه: فضایی مردانه از کلام در سفرنامه‌ها» به بررسی سفرنامه‌ها و تصویرشناسی در گستره ادبیات تطبیقی می‌پردازد. هدف این مقاله پرداختن به یکی از این فضاها، یعنی قهوه‌خانه، از ورای سفرنامه‌های مسافران نویسنده است. ابوالفضل حرّی با ترجمه فصل نهم کتاب پورتر ابوت با عنوان «اقتباس در رسانه» بحث در حوزه بین‌رشته‌ای ادبیات و سینما را ادامه می‌دهد. روایت مرز مشترک میان ادبیات و سینما است. ابوت اقتباس را به مثابه گذار از ادبیات به سینما به مطالعه درآورده است که در اصل، گذاری تراژنری محسوب می‌شود. از این رو، نخست از اقتباس به منزله تخریبی خلاقانه یاد می‌کند؛ سپس، به تبعیت از دادلی اندرو سه نوع اقتباس، یعنی وام‌گیری، پیوندپذیری، و تبدیل‌پذیری را از هم بازمی‌شناسد. ناهید حجازی در مقاله «وقتی نیچه گریست: از متن تا فیلم» به بررسی اقتباس سینمایی پینچاس پری از رمان وقتی نیچه گریست نوشته اروین یالوم می‌پردازد. در این مقاله اقتباس سینمایی پری با رمان یالوم در چارچوب نظریه دادلی اندرو با توجه به برخی مولفه‌ها مانند پیرنگ، شخصیت، زمان، مکان، درون‌مایه بررسی می‌شود. در بخش تأثیر و تأثر عطیه سادات شجاعی و همکاران در مقاله «پایه‌های نظری و روش‌های مطالعه ادبیات تطبیقی در مکتب فرانسوی» به تبیین و تحلیل نظریه و روش‌های تحقیق مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی می‌پردازند. مه‌زاد شیخ‌الاسلامی در مقاله «وام‌گیری بکت از کم‌دی الهی دانتته در گم‌گشتگان» با استفاده از روش تأثیرپذیری مستقیم مکتب فرانسوی و تحلیل مضمونی تأثیر دانتته را بر ساموئل بکت نشان می‌دهد. ابراهیم سلیمی و محمدجواد شکریان در مقاله «کازانتزاکیس و فرصت‌های بیان بینا فرهنگی؛ بررسی موردی: سفرنامه سیر آفاق» با تکیه بر رویکرد بینا فرهنگی در مطالعات تطبیقی به واکاوی و بررسی همنشینی و ملاقات دو حوزه فرهنگی و تمدنی شعر تغزلی عرب و زبان پارسی در رمان سیر آفاق نیکوس کازانتزاکیس پرداخته‌اند.

کازانتزاکیس در این کتاب گزارش عمیق و پرکششی از سفر به خاورمیانه و شرق مسلمان ارائه می‌کند و پاره‌ای از واژگان پارسی مصطلح در آن دیار و نیز آوازه‌های شتربانان و اشعار حدی‌خوانی شاعران عرب را در متن کتاب گنجانده است. در بخش گزارش‌ها، نرجس خدایی از وضعیت ادبیات تطبیقی در آلمان سخن می‌گوید که می‌تواند برای تطبیق‌گران ایرانی تجربه ارزشمندی باشد. آبتین گل‌کار از «همایش بین‌المللی حافظه و میراث بین‌فرهنگی» گزارشی نوشته است که مشترکات این حوزه بین‌رشته‌ای جدید را با رشته ادبیات تطبیقی نشان می‌دهد و نویدبخش‌گسترش بیشتر رشته ادبیات تطبیقی در حوزه علوم انسانی است. آدینه خجسته‌پور نیز گزارشی از همایش سالانه انجمن ادبیات تطبیقی آمریکا (۶ تا ۹ ژوئیه ۲۰۱۷) در اوترخت هلند تهیه کرده است که بیانگر افزایش گستره رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های معتبر جهان است.

گروه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی امیدوار است، با انتشار هر شماره، فراخنای رشته ادبیات تطبیقی و توسعه آن و منزلت‌ش را نشان دهد. باشد که روزی شاهد راه‌اندازی این رشته علمی در دانشگاه‌های معتبر ایران نیز باشیم تا دانشجویان جوان و با استعداد ما در این شاخه از علوم انسانی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های خود را به منصفه ظهور برسانند.

علی‌رضا انوشیروانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی